

به نام مردم، به کام؟

بخشی از نامه‌ی بسیج دانشجویی تعدادی از دانشگاه‌های کشور به نمایندگان مجلس در انتقاد به انتقال بیمه‌ها به وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی.

باسمه تعالی

مشکلات عدیده نظام سلامت با انتقال بیمه‌های درمانی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رفع نمی‌شود بلکه این ادغام تنها فرار به جلو است. موضوع ادغام بیمه‌ها از طرف وزارتخانه‌ای مطرح می‌شود که به هیچ یک از تکالیف خود در قانون نظیر راه‌اندازی نظام ارجاع و پزشک خانواده، پرونده الکترونیک سلامت، یکسان سازی حق تعرفه فنی بین بخش خصوصی و دولتی و ایجاد سازوکارهای نظارت سیستمی بر فرایندهای درمانی کشور عمل ننموده است. در صورتی که وزارت بهداشت بخواهد از خودش خرید خدمت کند، کلاف سردرگمی در این بین ایجاد می‌شود و از آنجا که این وزارتخانه به هیچ یک از وظایف و مسئولیت‌های خود مطابق با قانون عمل ننموده است، هیچ اعتمادی در واگذاری منابع بیمه‌های درمانی و مسئولیت مدیریت این حوزه وجود ندارد.

بسیج دانشجویی با قاطعیت اعلام می‌کند که در هیچ کجای دنیا، خریدار و ارائه دهنده خدمت یکی نیستند و انتقال منابع بیمه‌ای به وزارت بهداشت، موجب از کارافتادگی کامل نظام سلامت کشور در آینده نزدیک می‌گردد.

تولیت وزارت بهداشت بر بیمه‌ها، نوعی تمامیت‌خواهی و جبرانی برای افزایش ۲۰۰ درصدی تعرفه‌های نظام درمان است.

طرح مجدد موضوع تجمیع بیمه‌ها، صراحتاً به معنای آن است که ذخایر و سرمایه‌ها و منابع بیمه‌ای چند نسل شرکای اجتماعی و بیمارستان‌ها و به تعبیری اموال و حق بیمه کارگران مصادره شده و برای تامین هزینه بی‌تدبیری‌های مالی وزارت بهداشت که امروز بر همگان روشن شده است مصرف گردد.

این تصمیم سیاسی که ناشی از ورود افراد غیرمتخصص و غیردلسوز برای منافع مردم و کارگران زحمتکش در سیستم سلامت کشور می‌باشد، نظام سلامت و کشور را دچار خسران جبران ناپذیر خواهد نمود.

از نمایندگان مجلس که نمایندگان مردم مظلوم و همیشه در صحنه کشور می‌باشند درخواست می‌شود تا بار دیگر با درایت و هوشمندی با اتخاذ این‌گونه تصمیمات بی‌پشتوانه و صرفاً سیاسی مخالفت نموده و با انتقال بیمه‌های درمانی به وزارت بهداشت مخالفت نمایند.

بحث بعدی در برنامه ششم توسعه، استثنا کردن پزشکان متخصص از اجرای تمام وقتی با نظر هیات امنای دانشگاه‌ها می‌باشد که این اقدام صراحتاً به معنای ایجاد گریزگاهی برای عدم تمکین به قانون مجلس هست.

در ضمن مدیران ستادی وزارت بهداشت، وزارت رفاه و دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز بایستی تمام وقت در بخش دولتی باشند که این بند باید صراحتاً در متن برنامه گنجانده شود وگرنه شاهد ادامه حضور ذینفعان بخش خصوصی در مناصب حاکمیتی نظام سلامت خواهیم بود.

والسلام علی من اتبع الهدی

* پیوست: انتزاع سازمان بیمه سلامت ایران از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و انتقال آن به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مندرج در بند الف ماده ۸۷ مصوبه مجلس شورای اسلامی برخلاف بند ۷ سیاست‌های کلی سلامت و بند ۴۰ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه است.

بشنوید

از امام زمانت بپرس!

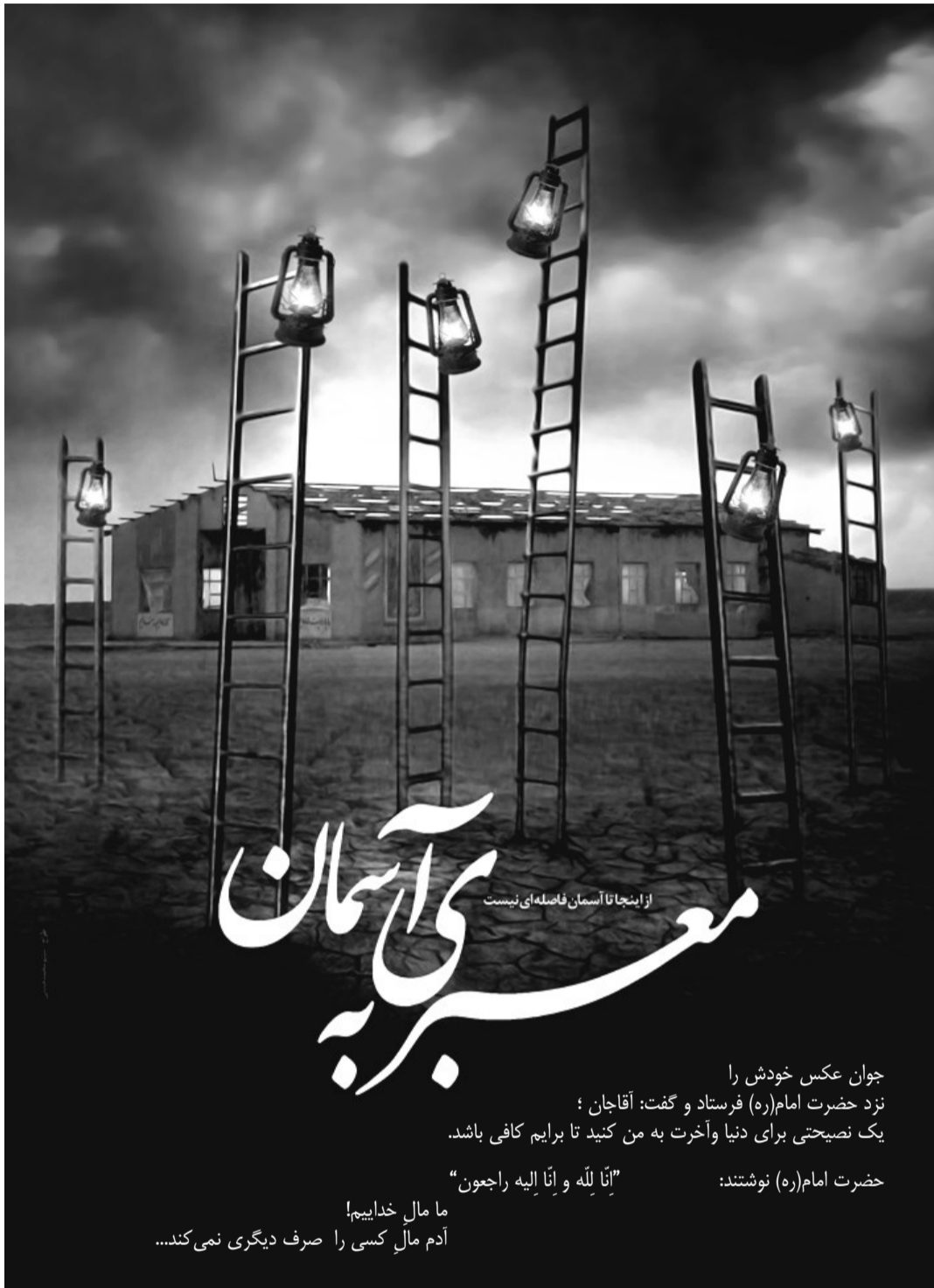


فوتشماره

شماره سوم سال ۹۶-۹۵

بسیج دانشجویی
دانشکده داروسازی
دانشگاه علوم پزشکی تهران

۹۵ • ۱۲ • ۹۵



مسئله آسمان

از اینجا تا آسمان فاصله‌ای نیست

جوان عکس خودش را

نزد حضرت امام(ره) فرستاد و گفت: آقا جان؛

یک نصیحتی برای دنیا و آخرت به من کنبد تا برابم کافی باشد.

حضرت امام(ره) نوشتند:

”أَنَا لِلَّهِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ“

ما مال خداییم!

آدم مال کسی را صرف دیگری نمی‌کند...

نقش من

محدثه گرافر

روغن ریخته، نذر امامزاده؟!}

”کارها را برای خدا کردن“ یا ”برای خدا کار کردن“، مسأله این است!

البته این جمله‌ی فلسفی- تاریخی، متعلق به سید شهیدان اهل قلم، شهید آوینی عزیز است.

وقتی این جمله را می‌خوانم، یاد انتخاب رشته‌ام می‌افتم. یادش بخیر!

می‌گفتند: برو یک رشته‌ای بخوان توش پول باشد، همه ”دکتر“ صدایت کنند... ”پرستیز“ داشته باش!

بجز علاقه، انگار پول و مقام و شخصیت اجتماعی عاریتی خیلی مهم بود. آخرش هم برای تسکین عذاب وجدان مان می‌گفتند: می‌دانی چقدر با علمت به مردم کمک می‌کنی؟

خلاصه ما هم پیرو سنت به‌ارث رسیده از گذشتگانمان، فارغ از این که ”خدا روزی‌رسان است“، رفتیم و ”دکتر“ شدیم!

هرکس را هم که دوا درمان کردیم گفتیم ”خدایا، برای رضای تو!“

حقوقمان را هم که ندادند، اخم کردیم که چه ظلمی به ما می‌شود!...

با خودمان تعارف داریم؛ روغن ریخته را نذر امامزاده می‌کنیم... این می‌شود مسالهی ”کارها را به اسم خدا کردن“. خب، همین می‌شود که شهید نمی‌شویم دیگر!

شهید احمدی روشن خیلی راحت می‌توانست یک رشته‌ی بی‌دردسر و پول‌درآر بخواند. اما اولویتش ”برای خدا کار کردن“ بود. فرق است بین کسی که اولویتش ”انجام کارهای روی زمین مانده‌ی ولی“ است با کسی که تمام کارهایش را انجام می‌دهد و آخرسر هم می‌گوید ”برای خدا بود“. این آدم تکلیفش را انجام نمی‌دهد؛ برای خدا مشقی می‌نویسد که خودش صلاح می‌بیند و ته تهنش هم شهید نمی‌شود!

اگر واقعا درد امام زمان(عج) و ولی‌مان را داشته باشیم باید به تمام دنیا نشان بدهیم که دین اسلام و ”انقلاب اسلامی“ مشکلات جامعه را حل می‌کند.

شهید تهرانی مقدم، پدر موشکی ایران، کسی که از صفر پایه‌گذار صنعت موشکی ما بودند و شهید شدند و جایزه‌شان را از خدا گرفتند. هدیه‌ی ایشان به ما ”امنیت“ بود و دغدغه‌شان دست و یار ولی بودن و تنها نگذاشتن رهبری.

اگر اخلاص داشته باشیم و بخواهیم اول و آخر کارهایمان خدا باشد، قطعاً تکالیفمان را هم درست خواهیم فهمید و بعد به آن عمل خواهیم کرد. این شاء ...

هنوز با همه دردم امید درمان است...

| نوشتاری در وصف الکترونیکی شدن! |

”نسخه‌های الکترونیک“، ”پرونده الکترونیک“، ”سیم‌کارت‌های سلامت“، ”کارت هوشمند درمان“... اینها اصطلاحاتی هستند که هنوز که هنوز است مردم بهره عملی از آنها نبرده‌اند، اما سال‌هاست که از زبان مسئولین نظام سلامت شنیده می‌شوند و سال‌هاست که وعده استفاده از آنها، به گوش می‌رسد.

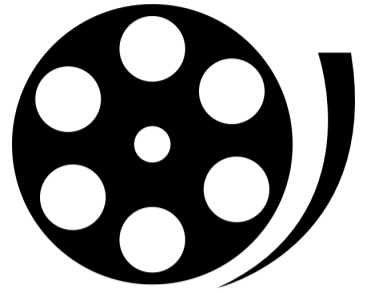
با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید هم بحث الکترونیکی کردن نسخه‌های بیماران در دستور کار وزارت بهداشت و به طور اخص سازمان غذا و دارو قرار گرفت و مسئولین این سازمان در سخنرانی‌ها و اظهارنظرهای خود دائماً بر لزوم اجرای این طرح تاکید می‌کردند. آنچه مسلم بوده و هست، در صورت ایجاد پرونده‌های الکترونیک برای بیماران، می‌توان شاهد ثمرات مثبت آن در جنبه‌های گوناگون بود. با رفتن به سمت نسخه الکترونیک، مردم می‌توانند بدون در دست داشتن نسخه با اطمینان داری خود را دریافت کنند و دستگاه‌های نظارتی و بیمه‌ها نیز می‌توانند میزان مصرف و تجویز آن را کنترل کنند. علاوه بر این در بخش گمرک نیز امکان کنترل جدی‌تر حاصل می‌شود. برای بیمارانی که پرونده سلامت الکترونیکی داشته باشند، تمام سوابق پزشکی فرد در دسترس پزشک قرار می‌گیرد و به این ترتیب تجویز راحت‌تر و با دقت بیش‌تری انجام می‌شود. الکترونیکی شدن نسخ پزشکی، صرفه جویی عظیمی را نیز برای بیمه‌ها و نظام سلامت خواهد داشت. با این حال به نظر می‌رسد تا عملی شدن این مدینه‌ی فاضله‌ی عرصه‌ی سلامت، چالش‌های جدی در پیش باشد! بسترهای لازم برای الکترونیکی شدن نسخه‌های پزشکان فراهم نشده است. کمتر از ۱۰٪ مطب پزشکان دارای سامانه الکترونیکی هستند. لازمه الکترونیکی شدن نسخه پزشکان، داشتن داروخانه الکترونیکی، سامانه پرونده الکترونیک و امضای الکترونیک است. برنامه فقط یک نرم‌افزار نیست که تهیه شود و پزشکان از آن استفاده کنند، بلکه تمام فرایندهای حوزه سلامت را شامل شده، به همین دلیل به زیرساخت الکترونیکی نیاز دارد. باید این بسترها فراهم شود تا امکان ارائه نسخه الکترونیکی مهیا شود. تنظیم و یکسان‌سازی اسناد و پرداخت الکترونیکی اسناد و خدمات الکترونیک و هرگونه اقدامی در این رابطه بدون هماهنگی و همکاری تولیت نظام سلامت، تامین کننده خدمات و تامین کننده منابع کاری نشدنی است و موفقیت چنین طرح‌هایی نیازمند به همکاری متقابل همه بخش‌ها است. متأسفانه در اجرای طرح اختلاف نظرهایی در بدنه تصمیم‌گیری‌ها در دولت وجود دارد که شاید یکی از موارد مهم درعلل تاخیر در اجرای سیستم ارجاع وجود اختلافات سلیقه‌ها میان مسئولان است.

علت همکاری نکردن بیمه‌ها با طرح نسخه الکترونیک بروکرسی حاکم بر بیمه‌هاست، چون کار جدید و سختی است و بیمه‌ها با اجرای این طرح مجبور می‌شوند شیوه‌های سنتی و فعلی خود را کنار بگذارند و همیشه ایجاد تغییر چنین مشکلاتی را دارد. اگر همکاری بیمه‌ها شروع شود، می‌توان نسخه‌های آزمایشی نرم‌افزار نسخه الکترونیک را بررسی کرد و نرم‌افزار مناسب‌تر را انتخاب کرد و توسعه بخشید. مشکل جدی دیگر این است که زیرساخت‌های فناوری اطلاعات اجازه ارائه خدمات درمانی به بیماران بدون قطع اینترنت را نمی‌دهد؛ چرا که در حوزه درمان حتی پنج دقیقه قطعی اینترنت قابل پذیرش نیست. الکترونیکی کردن همه کارها نیازمند سواد و دانش است و بدون برگزاری دوره‌های آموزشی نمی‌توان انتظار داشت همه حتی پزشکان بتوانند به‌راحتی با کامپیوتر کار کنند و اموری را که تا پیش از این به شکل دستی انجام می‌دادند کامپیوتری کنند. این درحالی است که کامپیوتری شدن و ثبت اطلاعات در این فضا کاری مثبت و مفید است که نمی‌توان منکر فواید بی‌شمار آن شد، باید به این نکته توجه داشت که همه پزشکان، جوان و تازه مدرک گرفته نیستند و خیلی از این افراد بالای ۵۰ سال با روش‌هایی کار کرده‌اند که تغییر یکباره آنها ممکن نیست. باید تمام پزشکان قبول کنند که به‌صورت کامپیوتری نسخ را وارد کنند. زمانی که این برنامه سراسری اجرا شود باید اعتبارات آن دیده شود که پیش‌بینی می‌شود حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد تومان اعتبار بخواهد که تامین این اعتبار هم خود جای بحث است.

”رزق لایحسب“ را همیشه در محاسباتتان به طور اجمال در نظر داشته باشید. درست است که محاسبات عقلانی و مادی، تأثیرگذارند، در این شکی نیست، و لازمند -هیچ آموزشی از آموزش‌های اسلام به ما نمی‌گوید که محاسبات عقلانی نکنید، محاسبات فکری و مادی انجام ندهید؛ نه، حتماً باید محاسبه کرد- اما یک جایی هم باز بگذارید برای محاسباتی فراتر از مسائل مادی؛ فراتر از آنچه به عقل انسان می‌رسد؛ این، رزق لایحسب است؛ این همان چیزی است که محاسبه نشده است و به ما می‌رسد؛ این در همه‌ی محاسبات ما وجود دارد؛ در همه‌ی کارهای جبهه‌ی مؤمن، این را باید رعایت کرد و در نظر داشت و انتظارش را داشت. در دعا می‌خوانیم: یا مَنْ اِذَا تَضَیَّقَتِ الْاُمُورُ فَتَحَ لَهَا بَاباً لَمْ تَذْهَبْ اِلَيْهِ الْاَوْهَامُ؛ وقتی کارها گره می‌خورند، وقتی به حسب ظاهر بن‌بست به وجود می‌آید، گاهی خدای متعال از یک گوشه‌ی این بن‌بست یک راهی باز می‌کند که -لم تَذْهَبْ اِلَيْهِ الْاَوْهَامُ- هرگز وهم بشر و اندیشه‌ی انسانی به آن نرسیده بود؛ چنین چیزی وجود دارد. یک نمونه‌اش جنگ تحمیلی است.



استند |
از آسمان: شهید
محمد رضا دهقان
امیری



مجموعه داستانی |
آخرین روزهای زمستان

تشکیلات

اقتباس از کتاب مبانی و مهارت‌های برنامه‌ریزی، کوثر مهدیان

طنز سیاسی

درد دل دولتی!

رفتی از حالا به فکر سال بعد؟؟
سنگدل، فعلاً بیا امسال باش!
آخرین بازی ما در سال بعد
انتخابات است؛ در فینال باش!
غیر ما از صندوق آمد گر برور
اعتراضی کن، پی ابطال باش
گوش کن داداش بر قول حسن
دور از پرخاش و از جنجال باش
گر چه از چاله، در افتادی به چاه
چندسالی هم درین گودال باش...

مثل نوبخت و ظریف و ابتکار
دم به دم در فکر استدلال باش
پشت هم ایمیل ده، اصرار کن
زنگ اما گر زند اشغال باش
از شعار ”مرگ بر ایشان“ گذر
فکر آزادی و استقلال باش
کن رها افراط یا تفریط را
اندکی هم مثل ما نرمال باش!
یا که با ما و برادر دوست باش
یا که با محمود و با رمال باش
سفره‌ای پهن است در این انقلاب
بر سر این سفره هم فعال باش
بره‌ی بریان اگر قسمت نشد
لااقل راضی به کتف و بال باش!
در جنوب شهر هم تفریح هست
کم دگر در حسرت توچال باش
چون سه سال از دولت تدبیر رفت
ما بقی را بر همین منوال باش...

منتقد، لطفاً کمی هم لال باش!
با دهان بسته‌ات فعال باش!
هی برای این و آن، من من نکن
چند روزی هم بیا متقال باش
صرفه‌جویی کن، گرانی را نبین
با همین داری‌ایات خوشحال باش
وقت صحبت کردن ما، گوش کن
کمتر از این در پی اخلاص باش!
رد نمودم من شما را از رُکود
بو اگر می‌داد کودش، لال باش
فیش را پیراهن عثمان نکن
خواهشاً کمتر پی اموال باش!
دست بردار از تخصص در نجوم
گاه گاهی فکر استیلال باش
فیش و کیش و خویش و دیش و نیش را
کن رها، کم فکر قیل و قال باش
خوردم و خوردند و خوردیم و تمام
محو در تصریف این افعال باش



در چنگال برنامه!

مورد داشتیم شخص برای بار اول رفته خواستگاری و خانم هم که قبل از خواستگاری کتاب ”مبانی و مهارت‌های برنامه‌ریزی“ را داشته مطالعه می‌کرده، با دیدن آقا هول می‌شه و لیست سوالاشو گم می‌کنه و از شدت هیجان اولین سوالی که از آقا می‌پرسد این است که: ”انواع برنامه را توضیح بدهید و بگویید اهمیت شناخت انواع آن از چه جهت است؟“. این سوال را که خانم پرسید، آقا تا چند دقیقه منتظر بود بارم سوال هم از سوی خانم مشخص شود تا او شروع کند به پاسخ دادن! چراکه معتقد بود روح معلم خدایا، امروز همین اکنون وارد اتاق شده و دارد او را به خاطر آن سال‌هایی که درس نمی‌خوانده و معلم پیرش را زجر می‌داده مجازات می‌کند! پس از آن شب هولناک، آقا تا آخر عمرش خواستگاری نرفت و در تنهایی پیر شد و مرد! ما هم بعد از این واقعه‌ی جانسوز جانگداز غم‌انگیز گفتیم برای شادی روح آقا هم که شده به شرح و بسط سوال فوق‌الذکر توسط خانم بپردازیم:

الف) برنامه عرضی: کارها و برنامه‌هایی که باید در طول یک روز انجام دهیم، جزء برنامه‌های عرضی محسوب می‌شوند. مثلاً رفتن به دانشگاه، درس خواندن، دید و بازدید اقوام، رفتن به خرید، دعا خواندن و نماز خواندن و... این کارها همان کارهای طبیعی روزمره‌ی ما هستند اما برای انجام دادن آن‌ها الویت‌بندی کارها نقش مهمی دارد چراکه عدم الویت‌بندی درست ممکن است سبب از دست رفتن برنامه و یا کارهای مهم‌تر شود. برخی از ویژگی‌های این برنامه: ۱. وابسته به عنصر زمان و شرایط است. ۲. در این برنامه‌ها لازم است حقیقی‌ترین، مهم‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای فرد شناخته شود. ۳. انتخاب ضروری‌ترین برنامه و عملی که فرد محتمل اجرای آن است کاری بسیار دشوار است که باید به صورت کاملاً عاقلانه و با دیدی همه‌جانبه و نسبت‌سنجی بین امور و نیازهای فرد انجام گیرد.

ب) برنامه‌های طولی: برنامه‌های طولی همان برنامه‌هایی هستند که انسان را برای رسیدن به هدف‌های حقیقی زندگی‌اش کمک می‌دهد. نیت، انگیزه، علم، طلب و دعا همه امور درون انسان است که توجه به آن‌ها و برنامه‌ریزی برای آن‌ها اساس برنامه‌های طولی را تشکیل می‌دهد. هر برنامه‌ی عرضی باید در طول یک برنامه‌ی طولی قرار گیرد. مثلاً شخص برای رسیدن به علم حقیقی که یک برنامه‌ی طولی است به دانشگاه می‌رود که به برنامه‌ی عرضی است یا در مثالی دیگر، شخص برای رسیدن به یک خانواده‌ی طیب که یک برنامه‌ی طولی است، به شرکت در کلاس‌ها و گوش دادن به صوت‌های مختلف که یک برنامه‌ی عرضی است می‌پردازد. این نوع برنامه چند ویژگی دارد: ۱. زمان این برنامه‌ها مرتب نبوده و انجام هم‌زمان و موازی آن‌ها خللی در عملی ساختن آن‌ها ایجاد نمی‌کند. ۲. انسان می‌تواند به طور هم‌زمان آن‌ها را انجام دهد و انجام آن دارای الویت نیست. ۳. این برنامه‌ها زمانی را در خارج از انسان اشغال نکرده و انجام آن‌ها در تمام لحظه‌های زندگی وی به‌کار می‌آید. ۴. این برنامه‌ها اساس دین و محتوای برنامه‌های دینی انسان را تشکیل می‌دهد. نکته‌ی مهم، توجه به این مورد است که ”تقوا“ عامل اساسی در برنامه‌های طولی به‌شمار می‌آید. پیامبر اکرم (صل‌ا. علیه و آله و سلم) فرمودند: ای اباذر! در رعایت تقوی در عمل، بیش از آن بکوش که درباره خود عمل می‌کوشی؛ که هیچ عملی با تقوی کم به‌شمار نمی‌آید (هرچند مقدار آن کم باشد) و چگونه عمل مورد قبول، کم به حساب می‌آید!؟

معرفی کتاب

ارمیا
نویسنده: رضا امیرخانی
ناشر: افق

در بین نماز وقتی به اولین سجده رسید گریه‌اش گرفت. نه مثل گریه‌های جبهه که مطبوع باشد و آدم را سبک کند؛ در جبهه گریه‌ها عشقی بودند اما در خانه گریه‌ها عقلی شده بودند.

وقتی در سجده طبق عادت خواست بگوید:
”اللهم ارزقنا توفیق الشهادة فی سبیلک“
قلبش ایستاده بود.
دیگر هیچ امیدی برای شهادت نمانده بود.
دعا فاصله‌ای عجیب با محل اجابت گرفته بود.
معلوم نبود از فردا شب در سجده‌ها چه باید بگوید ...!



حجت برای ما تمام است!

دیگر هیچ چیز نمانده... همه ی گفتنی‌ها را آوینی گفت؛
همه‌ی مرثیه‌ها را آهنگران خواند؛

همه‌ی فریادها را خمینی بر سر آمریکا کشید، همه‌ی خون دل‌ها را خامنه‌ای خورد؛
همه‌ی فحش‌ها و ناسزاها را بهشتی شنید، همه‌ی اسارت‌ها را متوسلیان کشید؛
همه‌ی خاک‌ها را پازوکی به‌دنبال معشوقه‌ها تفحص کرد، همه‌ی معشوقه‌ها را باقرزاده به عاشق‌ها رساند،
همه‌ی غربت‌ها را ابراهیم هادی چشید؛

همه‌ی دشت‌ها و بیابان‌ها را حاج قاسم به دنبال شهادت گشت؛
همه‌ی دویدن‌ها و نرسیدن‌ها هم سهم ما شد... همه‌ی جان‌کندن و جان‌ندادن‌ها، همه‌ی خون دل خوردن و خون‌ندادن‌ها...

حجت برای ما تمام است! فقط مانده که حجت ا... بیاید تا منور شود زمین به نور وجودش، که آرام بگیرد دل منتظران و فتح نهایی را به تصویر بکشیم؛

که بعد سال‌ها بنشینیم بالای قبر فاطمه(س) و اشک بریزیم... که چشمان روشن بشود به چراغانی حرم کریم اهل بیت(ع)؛ که پایان بگیرد سکوت بقیع و فریاد سر بدویم مظلومیت مادرمان را،

که بیاید امام عشق و اشک کودکان یمنی را نشان بدهد... بیاید از غربت کشمیری‌ها بگوید، محاسن به خون خضاب شده شیخ زکزاکی را نشان دهد، از خفقان بحرینی‌ها بگوید و معصومیت افغان‌ها را فریاد بزند!

بایستد رو به روی آمریکا سیلی بزند به صورت شیطان بزرگ! و با سینه‌ای ستبر فریاد عدالت‌خواهی سر بدهد...

حجت برای ما تمام است.

فقط مانده که نظرمان به وجه ا... بیفتد و به خون خویش غسل شهادت کنیم، سر به دامان، سر به راه بشویم! یعنی که از جان، برای جانان بگذریم...



فایل نشریه را از اینجا دریافت کنید:

نوشتارو

شماره سوم سال ۹۶-۹۵؛ اسفند ۱۳۹۵

بسیج دانشجویی دانشکده داروسازی، علوم پزشکی تهران

در صورت تمایل به همکاری با تحریریه‌ی نشریه، لطفاً از طریق رایانامه و یا مراجعه‌ی حضوری به دفتر بسیج دانشکده اقدام نمایید.

رایانامه	bptums@chmail.ir
پایگاه اطلاع‌رسانی بسیج داروسازی	bptums.blog.ir
کانال تلگرام بسیج داروسازی	telegram.me/bptums
اینستاگرام بسیج داروسازی	Pharmagram_tums

